



Research Paper

Critical Discourse Analysis in the Novel *Sunset of the Butterfly*

Jalil Karimi

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (j.karimi@razi.ac.ir)

Hadi Azimi

Master's degree, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author) (h.azimi9584@gmail.com)

Atta Almasi

PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (almasi_ata@yahoo.com)



10.22034/lda.2025.143341.1037

Received:

November, 05,
2024

Accepted:

December, 20,
2024

**Available
online:**

January, 19,
2025

Keywords:

*Critical
Discourse
Analysis,
Fairclough,
Bakhtiar Ali,
Sunset of the
Butterfly.*

Abstract

Critical discourse analysis is an interdisciplinary method applied to the analysis of various texts. Norman Fairclough, a prominent theorist in critical discourse analysis, advanced text analysis from mere description to explanation by incorporating elements of ideology, power, and history to interpret texts. His approach later gained attention and was employed to uncover hidden layers in artistic and literary works. This study aims to re-examine Bakhtiar Ali's novel *Sunset of the Butterfly* through a descriptive-analytical method, utilizing Fairclough's critical discourse analysis framework at three levels: description, explanation, and interpretation. Preliminary findings from the perspective of critical discourse analysis indicate that, at the descriptive level, Bakhtiar Ali's novels narrate stories non-linearly, disregarding chronological order. In his fiction past, present, and future intertwine, making the perception of time challenging for the reader. Additionally, the descriptive language in Ali's novels flows in a conversational style, with simple and fluid sentences narrated in a tangible and realistic manner. At the levels of explanation and interpretation, the central theme of Ali's novel reflects the political and social dynamics of Iraqi Kurdistan, manifested through various character archetypes. Each archetype in Ali's novel represents the collective and individual struggles of the people of Iraqi Kurdistan, including war, regional violence, identity issues, political and economic crises, personal conflicts, traditional challenges, and nationalism. These elements demonstrate that the narrative of Ali's novel is constructed based on the interplay of political discourse in the socio-historical context of Iraqi Kurdistan.



مقاله پژوهشی

گفتمان کاوی انتقادی رمان غروب پروانه

جلیل کریمی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (j.karimi@razi.ac.ir)

هادی عظیمی (نویسنده مسؤول)

کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (hazimi9584@gmail.com)

عطاء الماسی

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (almasi_ata@yahoo.com)



10.22034/lda.2025.143341.1037

چکیده

گفتمان کاوی انتقادی، نظریه و روشی بینارشته‌ای است که در تحلیل انواع متون کاربرد دارد. نورمن فرکلاف یکی از نظریه‌پردازان شاخص گفتمان کاوی انتقادی است که با ارتقا بخشیدن تحلیل متن از سطح توصیف به سطح تبیین و با دخالت دادن مؤلفه‌های ایدئولوژی، قدرت و تاریخ، متون را تفسیر کرد. رویکرد وی بعدها مورد توجه قرار گرفت و برای آشکار کردن لایه‌های پوشیده در آثار هنری و ادبی به کار گرفته شد. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف رمان غروب پروانه از بختیار علی را در سه سطح توصیف، تبیین و تفسیر بازخوانی کند. یافته‌های اولیه پژوهش از دیدگاه گفتمان کاوی انتقادی، بیانگر آن است که در سطح توصیف، رمان‌های بختیار علی به صورت غیرخطی به روایت داستان می‌پردازند، تسلسل زمانی رعایت نمی‌شود؛ بلکه گذشته، حال و آینده در هم می‌آمیزند و باعث می‌شود خواننده درک زمان را مشکل‌آفرین بیابد افزون براین، زبان توصیف متن داستان‌های بختیار علی با شیوه محاوره‌ای حرکت می‌کند. جملات با بیانی ساده و روان در ارتباطی ملموس و واقعی در وجه اخباری روایت می‌شوند. در سطح تبیین و تفسیر نیز باید اشاره کرد که محور اصلی رمان بختیار علی، بیانگر مناسبات سیاسی و اجتماعی در کردستان عراق است که در تیپ‌های مختلف شخصیت‌های رمان نمود پیدا می‌کند. هر کدام از این تیپ‌های رمان بختیار علی بازگویی رنج‌های جمعی و فردی مردم کردستان عراق است؛ جنگ، خشونت در سطح منطقه، مشکلات هویتی، بحران‌های سیاسی و اقتصادی، تعارض‌های فردی انسان‌ها و مشکلات سنت‌ها و مسایل ملی‌گرایی نمونه‌هایی از این دست هستند که نشان می‌دهد؛ روایت رمان بختیار علی بر اساس پیوندها، گفتمان‌های سیاسی و تاریخ بافت اجتماعی کردستان عراق بنیان نهاده شده‌است.

استناد: کریمی، جلیل؛ عظیمی، هادی و عطاء الماسی (۱۴۰۳).

«گفتمان کاوی انتقادی رمان غروب پروانه»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۲

(۳)، ۷۶-۵۹.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۳۰

واژه‌های کلیدی:

گفتمان کاوی
انتقادی، فرکلاف،
بختیار علی، غروب
پروانه.

۱. مقدمه و بیان مسأله

گفتمان در گستره مفهومی خود، به ویژه در بیان غیرفتی، صرفاً به مفهوم صحبت، مکالمه یا گفتگو است که گاه به طور تلویحی بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی نیز است. از این رو، خطابه، موعظه، سمینار، سخنرانی و رساله را می‌توان نوعی گفتمان به معنای عام کلمه به حساب آورد؛ اما در معنای فتی، علمی و زبان‌شناسانه آن، برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند فرانسوی «بن ونیست (Benveniste)» به کار گرفته شد (بشیر، ۱۳۸۵: ۹). گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی یا با ارجاع به متغیرهای دیگر بیان کرد که در مشخص کردن بسترهای بافت موضوعی پاره‌گفتار به کار می‌روند. «یول (Yul)» و «براون (Brown)»، در تعریف گفتمان کاوی می‌نویسند: «گفتمان کاوی، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آورده‌اند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

از تعاریف یاد شده، استنباط می‌شود صاحب‌نظران این رویکرد در آغاز بر این باور بودند که گفتمان کاوی بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، گفتمان کاوی نزد این عده، عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگریستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است؛ اما در ادامه، این رویکرد تغییر پیدا کرد و نظریه‌پردازان جدید، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه که صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنی، یعنی زمینه متن، سروکار داشتند، عمل کردند و در گفتمان کاوی، فراتر از آنها به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی باور داشتند. زلیک هریس (Zellig Harris) اصطلاح گفتمان کاوی را در معنای گسترده‌ای به کار گرفت و تلاش کرد که برداشت ابتدایی خود را از این اصطلاح، کامل‌تر و جامع‌تر نماید. او در ادامه، بحث درباره گفتمان را از دو بُعد، سامان داد: «اول بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کاربرد آنها در سطح فراجمله (متن) و دوم رابطه بین اطلاعات زبانی و غیرزبانی مانند رابطه زبان و فرهنگ و محیط و اجتماع. در بُعد اول، صرفاً اطلاعات زبانی مد نظر است، ولی در بُعد دوم اطلاعات غیرزبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه زبان‌شناسی است مد نظر قرار می‌گیرد» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۹).

رمان‌ها و داستان‌ها به عنوان بخشی از ادبیات، قابلیت آن را دارند که از منظر رویکردهای جامعه‌شناسی بررسی شوند؛ بنابراین در تحلیل و بررسی آثار هنری و ادبی لازم و ضروریست که قبل از هر چیز به ارتباط نویسنده، شاعر یا هنرمند با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، پرداخته شود؛ بدین معنا که علاوه بر پرداختن به جنبه‌های متعدد ادبی شاعر، نویسنده یا هنرمند، توجه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه آنها نیز باید مدنظر قرار گیرد و به روابط میان جامعه آنها و موقعیتشان در جامعه نیز توجه خاصی بشود. در همین ارتباط توجه به محیط زندگی شاعر، نویسنده یا هنرمند و طبقه و گروه اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌هایی که آنها در ارتباط و پیوند با آن به خلق آثار می‌پردازند، الزامی است.

بختیار علی از نویسندگان شاخص معاصر کُرد است که از وی آثار فراوانی منتشر شده است از جمله: مرگ دردانه دوم، غروب پروانه، آخرین انار دنیا، شهر موسیقیدان‌ها یا نوازندگان سپید، غزل‌نویس و خیال‌باغ‌ها، قصر پرندگان غمگین و... . بختیار علی در آثار داستانی خویش، همواره به دنبال طرح پرسش‌های هستی‌شناسانه و جامعه‌شناختی، کشف تصاویر غریب و ناب با فرمی بدیع، متفاوت، عمیق و همچنین مضامین جدی و جهان‌شمول و دغدغه‌های اصلی انسان مدرن است. وی به واسطه ترجمه داستان‌هایش به زبان‌های مختلف، شهرت جهانی پیدا کرده‌است.

آثار داستانی این نویسنده، ارتباط جدایی‌ناپذیری با قدرت، ایدئولوژی و مسائل سیاسی و اجتماعی دارد. بنابراین با توجه به اولویت نظریه گفتمان‌کاوی انتقادی، مبنی بر پیوند زبان با قدرت، ایدئولوژی و گفتمان در متون رسانه‌ای و مسائل سیاسی-اجتماعی، می‌توان داستان‌های بختیار علی را از این منظر، بررسی کرد تا جوهر اجتماعی آثار وی واکاوی شود. افزون بر این، پژوهشگران انتقادی گفتمان از روش‌های مختلفی برای تحلیل متون ادبی بهره می‌برند که نظریه «دیدگاه روایی» کاربرد قابل توجهی دارد. در این دیدگاه، تحلیلگر، تحلیل خود را به آن سوی جملات گسترش می‌دهد و به شرح فرآیندهای ارتباطی متون می‌پردازد؛ یعنی سطوح بالاتر و انتزاعی‌تر روابط قدرت، ایدئولوژی و بافت تاریخی و اجتماعی. دیدگاه روایی یا زمانی-مکانی دارای چهار سطح است: سطح عبارت‌شناختی، سطح مکانی-زمانی، سطح ایدئولوژیکی و سطح روان‌شناختی (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۵). پژوهش حاضر نیز با تکیه بر این رویکرد و با روش توصیفی-تحلیلی، رمان غروب پروانه اثر بختیار علی را از منظر گفتمان انتقادی بررسی و تحلیل می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

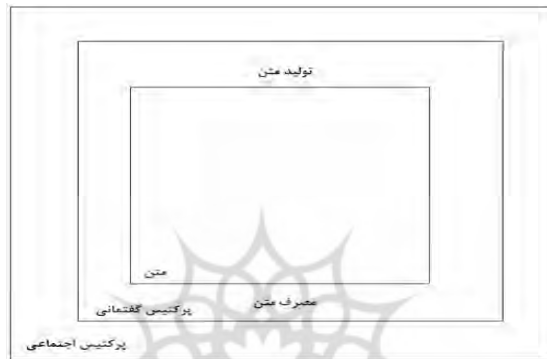
براساس جستجوهای به عمل آمده، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی و گفتمان کاوی انتقادی غروب پروانه از بختیار علی نپرداخته است؛ اما پژوهش‌هایی در ارتباط با موضوع این نوشتار انجام شده است که برخی از آنها عبارتند از:

سرباز و محمدی (۱۳۹۴) در نوشتاری با عنوان «بررسی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان نیواری پهلوانه‌ی بختیار علی» معتقد هستند که بختیار علی، این مؤلفه‌ها را در قالب دوگانگی و تقابل جهان خیالی و واقعی، رازگونگی پرواز پروانه‌ها در جای جای رمان به ویژه در روز اعدام پروانه، استحاله پروانه به گرد و غبار، کشمکش پروانه بر سر دنیای خیالی، عینیت در غبار شدن پروانه‌ها و صدا و بو در صدای مرگ و بوی خون به کار برده است. رحیمی (۱۳۹۵) در جستار «بررسی گفتمان زن از منظر تاریخ‌گرایی نو در رمان غروب پروانه اثر بختیار» موضوع زن و جایگاه آن را در رمان بختیار علی از نگاه تاریخ‌گرایی نو بررسی کرده و چالش‌های زنان را در جامعه سنتی نشان داده است. شوهانی و حسینی (۱۳۹۸) در مقاله «گفتمان کاوی انتقادی بازنمایی جنسیت در رمان غروب پروانه از بختیار علی» به این نتیجه رسیده‌اند که سازوکارهای یک جامعه مردسالار با تولید یک گفتمان ضد زن و با استفاده از تکرار و طبیعی جلوه دادن گزاره‌ها و بنیان‌های فکری زن‌ستیز در زندگی روزمره، علاوه بر مردان، بخشی از زنان را نیز به مروجان و منادیان این فرهنگ تبدیل کرده است.

۳. چهارچوب نظری

از دیدگاه فرکلاف (Fairclough)، «گفتمان مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است که تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بُعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۸-۹۷). در نظریه گفتمان کاوی انتقادی فرکلاف با توجه به وجود سه مقوله متن، پراکتیس گفتمانی و پراکتیس اجتماعی، به هنگام رخداد ارتباطی باید سه سطح متن، پراکتیس گفتمانی و پراکتیس اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. در سطح متن به ساختار زبانی توجه می‌شود، در سطح پراکتیس گفتمانی آن گفتمان‌ها و ژانرهایی که در تولید و مصرف متن مفصل‌بندی گشته‌اند، لحاظ می‌شود و سطح پراکتیس اجتماعی نیز به مجموعه ملاحظات و مشاهداتی مرتبط می‌گردد که نشان می‌دهد پراکتیس گفتمانی در بازتولید یا زوال نظم گفتمانی دربرگیرنده متن چه نقشی را ایفا می‌کند و این نقش برای پراکتیس اجتماعی چه پیامدهایی دارد؛ اما از آن‌جا که در هر پراکتیس اجتماعی، عناصری گفتمانی و غیرگفتمانی وجود دارند لذا در کنار گفتمان کاوی به نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نیاز پیدا

می‌شود. با کمک نظریه‌های انتقادی در گفتمان‌کاوی می‌توان به نقش زبان به کار گرفته شده در متن برای بازتولید یا برای تغییر نظم اجتماعی ویژه‌ای پی برد. با توجه به همین نکته می‌توان گفت که زبان، متأثر از شرایط اجتماعی خودش است و متن نیز که برساختی انضمامی از بکارگیری زبان است طبیعتاً متأثر از شرایط اجتماعی خودش است و به همین دلیل است که نمی‌توان آن را در خلاء، فهم و تحلیل نمود. یورگنسن (Jorgensen) و فیلیپس (Philips) در کتاب خود، این دو رویکرد سه وجهی فرکلاف را در یک مدل مخصوص به نمایش گذاشته‌اند:



الف) مدل سه بُعدی گفتمان‌کاوی انتقادی فرکلاف (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۱)
این تصویر، حاوی نکات اساسی زیر است:

الف) متن در درجه اول، دارای کلیتی است که خود بدان وابسته است. در داخل متن، مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده بلکه کلیتی را می‌سازند که بدان متن یا گفتمان می‌گویند.

ب) متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرون متکی است. این عوامل هم در فرآیند تولید متن و هم در فرآیند تفسیر متن مؤثرند. به عبارت دیگر، دومین مربع داخل تصویر، حاکی است که یک متن در چه فرآیند گسترده‌ای تولید و در عین حال تفسیر می‌شود. فرآیند تولید و تفسیر با همدیگر دارای کنش متقابلند و در نتیجه، همدیگر را متأثر می‌سازند.

ج) مربع سوم که بسیار گسترده است و همه موارد فوق را در بر می‌گیرد، نشان‌گر آن است که یک متن، علاوه بر بافت متن و فرآیند تفسیر متن، شدیداً متأثر از شرایط اجتماعی است که متن تولید و یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی، تأثیر بسیاری بیشتری نسبت به بافت متن و فرآیند تولید و تفسیر آن دارد. این تصویر، در واقع، بیش از هر چیز، نمایان‌گر سطوح گفتمان است.

این سه سطح جدا از هم ولی در ارتباط با یکدیگر هستند. صورت‌بندی اجتماعی، تبیین‌کننده نهاد‌های اجتماعی و نهاد‌های اجتماعی، تعیین‌کننده کنش اجتماعی است. سطح کردار اجتماعی، سطح جامعه را مدنظر قرار داده و سطح کردار گفتمانی، گفتمان‌های استفاده شده توسط مؤلف را در بر می‌گیرد. سطح متن، تحلیل متن بر عهده دریافت‌کننده و مصرف‌کننده متن است و به تفسیر او مرتبط است. تحلیل از خصوصیات کلمه و جمله آغاز شده تا در نهایت، ارتباط آن‌ها با کردار اجتماعی آشکار شود؛ تحلیل از دیالوگ افراد شروع شده و دیالوگ‌ها مربوط به یک شخصیت‌اند و با شناخت شخصیت و روابطش با دیگری، جایگاه و موقعیتش در جامعه مشخص شده و نوع روابط قدرت مستتر قابل مشاهده می‌شود. فرکلاف با استفاده از تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل بینامتنی یا ساختار متن، شیوه‌اش را متمایز می‌سازد و از سطح تحلیل متن فراتر رفته و هم‌زمان تحلیل فرم را مدنظر قرار می‌دهد، «در سطح زبان‌شناختی، مسائل درونی متن (نظیر واج‌شناسی، دستور زبان تا حد تحلیل جمله و واژگان و معناشناسی)، مسائل فراتر از حد جمله در متن را نیز تحلیل می‌کند». از طرف دیگر، تحلیل بینامتنی یا بافت‌نشان می‌دهد که «متون چگونه از نظم‌های گفتمان به نحوی گزینش‌گرایانه استفاده می‌کنند. تحلیل بینامتنی، ما را متوجه این نکته می‌کند که متن‌ها، وابسته تاریخ و جامعه‌اند. در نتیجه می‌توان این را اضافه کرد که متن را نمی‌شود در خلاء فهمید و به قول کریستوا (Kristeva) «بحث جای دادن تاریخ (جامعه) در متن و جای دادن متن در تاریخ است» (فرکلاف ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲۱ به نقل از کریمی و اکبری، ۱۳۹۷: ۵).

۴. گفتمان کاوی انتقادی رمان غروب پروانه

پیش از پرداختن به بررسی سطوح مختلف رمان غروب پروانه (نثری پروانه)، معرفی مختصری از این رمان در جدول زیر ارائه می‌شود:

عنوان فارسی رمان	غروب پروانه
عنوان کردی رمان	نثری پروانه
سال چاپ	۱۹۹۸
مترجم	مریوان حلبچه‌ای
ناشر	نیمار
زاویه دید	اول شخص مفرد (خندان کوچولو)
محیط	شهر بدون نام که در کردستان عراق قرار دارد
شخصیت‌ها	پروانه، خندان کوچولو، فریدون ملک، نصرالدین خوشبو، عمه، میدیا، پدر پروانه، برادرهای پروانه، رضا دلخوش، گووند، دلارام، سیامند، معصومه، زینب، شیرین، لیلا، گپه، ملاکوثر باغبان.

۴-۱. توصیف

در این قسمت از رویکرد فرکلاف، متن در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و خود ساختار متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرکلاف در این قسمت، سؤال‌های مختلفی در رابطه با سه سطح ذکر شده مطرح می‌کند. استفاده از واژه‌های رسمی یا محاوره‌ای، عناصر گرامری و ضمیر به کار رفته در متن و شناسایی استعاره‌های موجود در متن، بعضی از مسائلی هستند که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱).

خندان کوچولو، خواهر پروانه (شخصیت اصلی داستان) روایتگر سرگذشت خواهرش است. پروانه، دختر جوانی است که عاشق فریدون ملک، شاگرد نانوائی شهر می‌شود. شهر درگیر جنگ و محاصره است. این دو نفر که عاشق و معشوق همدیگر هستند، تصمیم می‌گیرند خارج از فضای رعب‌انگیز شهر و به دور از چشم مردمان آن شهر، زندگی تازه‌ای را شروع کنند. بنابراین، قرار می‌گذارند که فرار کنند. نصرالدین خوشبو، شخصی دوره‌گرد است که رابط میان عشاق در این شهر است. او نامه فریدون ملک را به پروانه می‌رساند و تاریخ و ساعت فرار از خانه را به او می‌گوید.

در یک سپیده‌دم آن دو فرار می‌کند؛ اما شهر در محاصره است و نمی‌توانند خارج شوند. روز اول به جز خندان کوچولو و نصیرالدین خوشبو، کسی متوجه فرار آنها نشد. غروب، پدر، سراغ پروانه را از خندان کوچولو می‌گیرد. خندان اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. پدر، خشمناک، در و پنجره خانه را می‌شکند و برادرها به گمان اینکه خندان از فرار پروانه مطلع بوده، او را کتک می‌زنند. پدر که فرار پروانه را برای خود و خانواده‌اش، آبروریزی به حساب می‌آورد، برای یافتن راه چاره به سراغ خواهر صوفی مسلکش می‌رود به امید آنکه راه چاره‌ای بیندیشد.

عمه، مطمئن است که شهر در محاصره قرار دارد و کسی نمی‌تواند از آنجا خارج شود. بنابراین او زنانی را که دف در دست داشتند، در نیمه‌شب تاریک جمع کرد و به دنبال پروانه و فریدون ملک، شهر را زیر و رو کردند. زنان، دف در دست، مردان چاقو و خنجر به دست و کودکان، چوب به دست در نیمه‌شب تاریک، شهر برای یافتن پروانه و فریدون ملک به راه افتادند. ابتدا به نانوائی رفتند اما رضا دلخوش، جوان عاشق پیشه لنگ، پیش از رسیدن جمعیت به این دو نفر خبر داده و آنها فرار کرده بودند.

مردم به مسجد شهر برگشتند و تا سه روز زیر باران منتظر رسیدن خبری از آن دو نفر بودند تا اینکه روز سوم، هنگام صبح، ردی از آنها به عمه می‌رسد و سیل جمعیت به طرف کتابخانه شهر راه می‌افتند؛ اما باز هم رضا دلخوش پیش از رسیدن جمعیت به پروانه و

فریدون ملک خبر می‌دهد و آنها فرار می‌کنند. جمعیت خشمگین، کتاب‌فروشی را به آتش می‌کشند. عمه و دار و دسته‌اش نتوانستند پروانه و فریدون ملک را پیدا کنند. پدر و برادران خشمگین که تاب این رسوایی را ندارند، خندان کوچولو را به خانه عمه می‌فرستند تا تحت تربیت وی قرار گیرد، عمه هم برای مکلفات گناه‌نابخشودنی پروانه، خندان کوچولو را به مدرسه توبه‌کاران می‌برد، دخترانی که در این مدرسه حضور دارند از جمله (خندان، زینب و لیلا) همگی از خانواده‌های هستند که خواهران و یا مادران آنها زناکار محسوب می‌شوند و برای اینکه روح شیطانی که در خون آنها رفته‌است، خارج شود، در این مدارس دینی، دنیای جدیدی را باید تجربه کنند.

بعد از مدتی از طریق شیرین به خندان کوچولو خبر می‌رسد که پروانه و فریدون ملک به همراه دیگر عشاق شهر، در جنگل به سر می‌برند و در کنار هم دنیای جدیدی را تجربه می‌کنند؛ دنیایی سرشار از ترس، ناامیدی و خستگی. نصرالدین خوش‌بو، تمام عشاق را در آن جنگل جمع کرده‌است و تلاش می‌کند تا از آنها حمایت کند و شرایط را تغییر دهد؛ اما موفق نمی‌شود. سرانجام، عاشقستان، شناسایی می‌شود و مردان و زنان خشمگین مذهبی به آنجا حمله می‌برند، فریدون ملک به ته دره پرتاپ می‌شود، پروانه و میدیا را اعدام می‌کنند.

همچنین باید اشاره کرد که شیوه روایت رمان غروب پروانه نیز مانند اغلب آثار داستانی بختیار علی به صورت خطی و یکنواخت پیش نمی‌رود؛ بلکه به صورتی غیرخطی است، ترتیب واقعی رعایت نمی‌شود و تقدّم و تأخّر در رویدادها در متن با تقدّم و تأخّر واقعی آنها همسان و هماهنگ نیست. به عنوان مثال، ممکن است در فصل اول یک روایت، حوادث بیست سالگی قهرمان اثر، روایت شود و در فصل دوم، بازگشت به گذشته رخ دهد و در آنجا حوادث و رویدادهای دوران کودکی قهرمان بازسازی شود (صهبا، ۱۳۸۷: ۹۳). به هر حال، در این رمان نیز تسلسل زمانی وجود ندارد و گذشته، حال و آینده در هم می‌آمیزند و گاهی نیز جادو و خیال‌چاشنی این عدم تسلسل می‌شوند و خواننده را در درک زمان و رویدادهای رمان دچار مشکل می‌کند.

زبان به کار گرفته نیز برای بیان رمان غروب پروانه، بیانی ساده و روان دارد که در اغلب موارد به شیوه محاوره‌ای ارائه شده‌است. غالب بودن وجه اخباری و معلوم بودن جمله‌ها، رویکرد دیگر زبان توصیف در رمان غروب پروانه است. هر کاراکتر بنا به تناسب تیپ شخصیتی خویش در داستان، گفتار مخصوص به خود دارد و روای داستان که دانای کل است (خندان کوچولو) تلاش کرده‌است مکنونات ذهنی شخصیت‌های داستانی را در قالب

گفته‌های آنان بیان کند. او در آغاز کتاب از یک غروب سرد و برفی در میان کوهستان‌های سرکش سخن می‌گوید. غروب تلخی که بعد از آن، همه‌چیز تغییر کرد. غروبی که خندان کوچولو به آن غروب پروانه می‌گوید. عیدی که در آن تعداد قربانی‌ها به حدی زیاد بود که شهر، بوی خون می‌داد و چاله‌چوله‌های کوچه‌ها پر از خون بود: «آن غروب گفتم که سیلاب خون، شهر را با خود می‌برد، گفتم: «گای روی زمین باقی نگذاشتند، همه را قربانی کردند. دیگر در و دیوارهای این شهر از خون پاک نمی‌شود.» اما پروانه گفت: «همه‌چیز موقت است، هرچیزی فقط برای لحظه‌ای عمر دارد، از عمرش که گذشت فراموش می‌شود. هیچ‌چیز نیست که عاقبت به تلی از غبار بدل نشود. پایان چیزها غباری بیش نیست» (علی، ۱۳۹۹: ۹).

۴-۲. تفسیر

در این سطح از گفتمان، مؤلفه‌هایی که در سطح توصیف بیان شد، دال‌ها و نشانه‌هایی هستند که دانش زمینه‌ای ذهن و اندیشه مفسر را پویا می‌کند. در سطح تفسیر، «زمینه مشترک بافت بینامتنی دخیل در شکل‌گیری متن و عنصر مشترک آن با گفتمان جاری در رمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و با بازگشت به گذشته و پیش‌زمینه‌ای که در بن‌مایه‌های متن بررسی می‌شود و تحلیل در سطح تفسیر صورت می‌گیرد» (حدادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). در این سطح از گفتمان، سؤال‌هایی که قابل طرح است این است که جریان چیست؟ چه افرادی در رویدادهای داستان نقش دارند؟ چه پیوندی میان کاراکترهای داستان وجود دارد؟ چه گفتمان‌هایی در رمان وجود دارند؟ رمان غروب پروانه نیز با توجه به دال‌ها و نشانه‌هایی که وجود دارد، سرشار از تقابل‌های دوگانه است؛ آزادی و اسارت، تقابل میان زیبایی و زشتی، باور و بی‌باوری، فردگرایی و تن‌دادن به گفتمان جامعه مردسالار و سنتی است که از راه اندیشه انسانی صلح‌طلب و نگاه انتقادی به زندگی و اعمال انسان امروز گریز می‌زند.

موضوع ناکامی عشق در این اثر، موضوعی است که در مرز میان خیال و واقعیت قرار دارد و خندان کوچولو از زبان شخصیت‌هایش، این مرز خیالی عشق را توصیف می‌کند. وی صحبت درباره عشق و رنج‌های آن را با یک غروب جادویی و فضای جادویی تیره آغاز می‌کند «در یک غروب بهاری و در شهری خون‌گرفته شروع می‌شود؛ شهری که گودال‌هایش را خون‌های لخته‌بسته حیوانات قربانی شده پر کرده است» (علی، ۱۳۹۹: ۷) و با غروبی جادویی و تیره نیز به پایان می‌رساند؛ «در غروبی زمستانی، در روستایی دورافتاده که هم مه‌آلود است و هم خون‌گرفته» (همان: ۲۵۱). جشنی به مناسبت تیرباران دو تن از شخصیت‌های رمان، یعنی «پروانه» و «مدیا» برپاست.

غروب بهار و غروب زمستان، عید قربان (که نمادی از عید رهایی از بندگی است) و جشن اعدام پروانه و میدیا، نشانه‌هایی از وجود تضادها و تقابل‌ها در داستان غروب پروانه است. از دیگر سو، «پروانه» مظهر عشق و زیبایی است و میدیا، نشانگر رسانه. گویی آن روز، روز قربانی شدن عشق و ارتباط است. قصه، قصه تلخی است. با خون شروع می‌شود و با خون پایان می‌پذیرد. افزون بر این، مثل همه رمان‌های بختیار علی، جنگ جایگاه ویژه‌ای دارد و سایه سنگینش را در جای‌جای رمان، می‌توان دید. نویسنده در توصیف چنین صحنه‌ای می‌گوید: «بیوه‌زن‌ها و دختران، گردنبندهای خودشان را می‌دادند به قاچاقچی‌ها تا از مرز عبورشان دهند» (علی، ۱۳۹۹: ۱۸).

فضای داستان، تیره و تار است و مملو از آوارگی، تباهی و حرمان. همه در پی فرارند. گروهی از آنها جوانانی عاشق پیشه‌اند و امیدشان رسیدن به عشقستان است و گروهی دیگر در پی مبارزه با آنها و این کشمکش ادامه دارد. ولی همه خسته‌اند؛ خسته از جنگی خانمان‌سوز و حاکمیت ایدئولوژی تمامیت‌خواه. جوان‌ها در رؤیای‌شان، آرمان‌شهری را طلب می‌کنند که در آن بتوان زندگی بی‌دغدغه‌ای را آغاز کرد؛ اما برای رسیدن به آن، حرکت قابل‌توجهی نمی‌کنند. گویی منتظر منجی‌ای هستند تا آنها را به مدینه‌ی فاضله‌شان برساند. منجی، شخصی است به نام نصرالدین خوشبو. او عشاق را به عمق جنگلی می‌برد با نرده‌هایی هزار پله. عشاق یکی پس از دیگری به جنگل هزار پله وارد می‌شوند و به نظر می‌رسد که به آرزوی خود رسیده باشند؛ اما طولی نمی‌کشد که آن آرمان‌شهر هم به همان سادگی‌ای که به دست آمده بود، فرو می‌ریزد. پرنده‌ها و ماهی‌ها دسته‌دسته می‌میرند. جنگل، لخت و عور می‌شود و برگ‌های زرد نومیدی همه جا را پر می‌کنند. دیگر نه خبری از گل هست و نه صدای چهچه‌ای از بلبل. جوانان ساکن عشقستان هر یک به نحوی دچار بیماری روانی می‌شوند. نصرالدین خوشبو خبر می‌آورد که محل آرمان‌شهر لو رفته و مردم در پی دستگیری‌شان هستند. باز هم فرار، فرار از کجا؟ از آرمان‌شهرشان. به کجا؟ نمی‌دانند. شاید به همان جایی که قبلاً از آن فرار کرده‌اند. معصومه به پروانه می‌گوید: «این جنگل، بزرگ‌ترین دروغ است. این جا زندان دیگری است» (علی، ۱۳۹۹: ۱۱۴). یکی دیگر از شخصیت‌های رمان به نام گووند، درباره‌ی جنگل هزارپله می‌گوید: «وقتی آمدیم به این جنگل، استخوان عاشقان قدیمی را دیدیم که همین جا مرده بودند و پس از مرگ کسی نبوده که دفن‌شان کند» (همان: ۱۱۵). به هر حال، آنچه که وجود دارد، ناکامی پشت بند ناکامی است، عاقبت همه‌ی عشاق، فنا و نابودی است. فریدون ملک به ته دره پرت می‌شود، پروانه و میدیا اعدام می‌شوند و ...

افزون بر عشقستان رویایی یا همان آرمان شهر، مکان دیگری در داستان وجود دارد به نام مدرسه توبه کاران، در این شهر، مدرسه توبه کاران فقط برای دخترهاست. دخترهای بی گناهی که به دلیل وابستگی نسبی شان با جوانان عاشق، به اجبار، وادار به زندگی در آن جا شده اند. جایی که داشتن تکه آینه ای جرم است. گویی زن ها ذاتاً منحرفند، مگر خلافتش ثابت شود. در رمان، فقط عمه ها وجود دارند. مثل عمه پروانه، عمه غمگین فریدون و عمه عزیزتیرانداز و هیچ صحبتی از خاله ها نیست. شاید نویسنده با این نیت خواسته است جو ضد زن بودن ساکنین شهر را به نحوی به تصویر بکشد.

شخصیت های داستان نیز هر کدام کارکردی نمادین دارند و به نظر می رسد که بختیار علی، زیرکانه آنها را انتخاب کرده است. یکی از شخصیت های مطرح رمان، نصرالدین خوشبوست؛ مردی با چهره ای زنانه (هم مظهر قدرت است به واسطه مرد بودن و هم مظهر عشق و عاطفه است به واسطه چهره زنانه ای که دارد) نقش منجی دارد؛ اوست که عشاق را به مدینه فاضله می برد و بازهم اوست که وقتی احساس خطر می کند، آنها را خبر کرده تا جنگل هزار پله را ترک کنند. خندان کوچولو که لبخندهایش بیشتر زهرخند است به تیرگی های موجود تا لبخند، عمه خانم و ملاکوثر باغبان که نمادی از دگم اندیش، خشک مغز و خشک مذهب هستند، رضا دلخوش که پس از اقدامی دلخوشانه برای فرار لنگ می شود و پاهایش را از دست می دهد، ماندن را به رفتن ترجیح می دهد و کتابفروشی اش را به آبمیوه فروشی تبدیل کند و می ماند تا مرگ در زیر پوست آن شهر مرده را تجربه کند. پروانه، فریدون ملک، کلبه آهنگساز و معشوقه اش میدیای لال، سیامند پنجه چنگکی و معشوقه اش معصومه، زینب کوهستانی، گووند آهنگر و معشوقه اش دلارام، نماد انسان های آزادی خواهی هستند که انتخابی بین مرگ و مرگ داشتند، اولی با جذب شدن در پوست تاول زده شهری مرده، دومی با پروازی هرچند رو به سقوط. به هر حال این رمان، سرگذشت مردگان است. از قهرمان ها و ضدقهرمان ها، هیچکدام زنده نیستند، حتی اگر نفس می کشند. مرگ، مثل تصویری افتاده در آینه در همه جای داستان سایه افکنده است.

۴-۳. تبیین

مسأله ای که در سطح تبیین مورد توجه قرار می گیرد، این است که تأثیر ساختارها بر گفتمان ها چگونه است؟ در حقیقت، مشخص کردن روابط قدرتی که در سطح های مختلف اجتماعی در شکل دهی و شکل گیری گفتمان های رمان غروب پروانه مؤثر بوده اند و یا در راستای دگردیسی کردن آن حرکت کرده اند، مسائلی است که در سطح تبیین مطرح می گردند.

غروب پروانه، رمانی است که یک رویداد و جریان تاریخی-سیاسی را روایت می‌کند. روایت داستانی بر اساس پیوندها و گفتمان‌های سیاسی و تاریخ بافت اجتماعی کردستان عراق بنیان نهاده شده‌است. زندگی مردمان کردستان عراق در سدهٔ اخیر دست‌خوش ماجراها و رویدادهای فراوانی بوده‌است و به نوعی می‌توان گفت هیچ کس در این سرزمین را نمی‌توان جدا از حوادث و اتفاقات سیاسی و تاریخی آن تعریف کرد. این رویکرد در داستان غروب پروانه به خوبی مشاهده می‌شود و هیچ‌کدام از شخصیت‌های داستانی آن نتوانسته‌اند خود را از گفتمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی که در اطرافشان در حال گذر است، برکنار نگاه دارند و هر کدام از کاراکترهای داستانی به فراخور اوضاع و شرایطی که در رمان برایشان تعریف شده‌است با گفتمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی داستان پیوند پیدا می‌کنند. هر چند، مکان رویدادهای رمان غروب پروانه، مبهم است و نام مشخصی ندارد، اما منطقه‌ای کردنشین در کردستان عراق است. طبیعتاً ساختارهای حاکم بر این منطقه، گفتمان‌های موجود در رمان را تحت تأثیر قرار داده‌است. روایت این رمان نیز با تکیه بر پیوندها و گفتمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی بافت جامعهٔ کردستان عراق ارائه شده‌است.

آنچه که در نگاه اول در رمان غروب پروانه به چشم می‌آید، سایه‌گستر بودن جنگ و ناامنی بر زندگی مردمان این داستان است. قابل ذکر است که این رویکرد در همهٔ رمان‌های بختیار علی وجود دارد؛ از این‌رو می‌توان با قاطعیت گفت که در همهٔ رمان‌های بختیار علی، جنگ و ناامنی وجود یک گفتمان مشترک را رقم زده‌است. در مورد چرایی وجود این گفتمان، باید گفت که رمان غروب پروانه در سال ۱۹۹۸ منتشر شده‌است. کردستان عراق در سال‌های نزدیک به چاپ رمان، دوران پر فراز و نشیبی را سپری کرده‌بود. در سال ۱۹۸۸ میلادی، یعنی ده سال پیش از نگارش غروب پروانه، کردستان عراق عملیات انغال را تجربه کرد؛ عملیاتی که طی آن صدام با همراهی نیروهای بعثی بیش از ۱۸۰ هزار از کردها را زنده به گور کرد. همچنین هشت سال پیش از نگارش رمان غروب پروانه، جنگ داخلی کردستان عراق که در فرهنگ سیاسی کردها با نام جنگ برادرکشی شناخته می‌شود، روی می‌دهد که به درگیری نظامی میان جناح‌های سیاسی رقیب در کردستان عراق در سال‌های میانی دههٔ ۱۹۹۰ گفته می‌شود و طی آن به‌طور عمده، دو جریان حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیهٔ میهنی کردستان با یکدیگر به درگیری نظامی پرداختند و طی این درگیری، سه الی پنج‌هزار نفر کشته شدند. هدف از یادآوری این مطالب، بیان کردن سایهٔ جنگ در جای‌جای رمان است به نوعی که می‌توان سایهٔ سنگین آن را در همهٔ جای رمان درک کرد: «آن فصل، آغاز کشتارهای مهیب و ترسناک بود. دولت مرکزی هر روز

دایره خفقان را تنگتر و خون‌آلودتر می‌کرد. صبح‌ها که برمی‌خاستیم، خیابان‌ها پر از خون و شیشه شکسته و پس‌مانده آتش بود. روز پیش، دو دوست فریدون به دست نیروهای دولتی تیرباران شده بودند. روزگار عجیبی بود. همه به شکل بی‌معنی و غیرعادی می‌ترسیدیم، حتی من که چیزی برای ترس نداشتم» (علی، ۱۳۹۹: ۲۴).

هر چند این جنگ‌ها و کشتارها منجر به شکل‌گیری اقلیم کردستان در اوایل دهه ۹۰ میلادی و ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق شد، اما گروه‌های اسلام‌گرای کُردی با بهره‌گیری از تعدد قومی و مذهبی در کردستان و فقدان مکانیسم حزبی مناسب از جانب احزاب ملی‌گرای کُرد، توانستند در عرصه اجتماعی و حتی سیاسی کردستان عراق ایفای نقش کنند و نه تنها احزاب کُردی همچون حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان را به چالش کشیدند، بلکه حتی باعث ایجاد نامنی، رعب و وحشت در کردستان شدند. ردپای این ساختار و تأثیر آن بر گفتمان‌های داستان غروب پروانه دیده می‌شود. این ساختار دینی و مذهبی تندرو، کوچکترین ارتباطی میان زن و مرد نامحرم را برنمی‌تابد و سخت‌ترین حدود را برای این گونه رفتارها تعیین می‌کند. عشق در قاموس این افراد، مجالی برای ظهور پیدا نمی‌کند. عمه خانم و ملا کوثر باغبان، انسان‌های صوفی مسلک و خشک مذهبی هستند و نمادی از گروه‌های افراطی اسلامی نشان داده شده‌اند که کوچکترین لغزش از قوانین دینی را برنمی‌تابند و با دادن فتوای متعدد، حکم کشتار انسان‌های خاطی را صادر می‌کنند. «در جهان آنها و در شریعت آنها، رحم و دلسوزی جایی ندارد. عمه بر این باور بود که انسان باید شریعت را اعمال کند و دیگر خدا خودش درباره همه چیز تصمیم می‌گیرد. او تصمیم می‌گیرد که چه کسی دچار نفرین می‌شود و چه کسی مستحق رحمت است. بر این باور بود که اگر پروانه به خاطر گناهی که انجام داده‌است به مجازات بزرگی نرسد، روح او به آرامش دست نمی‌یابد» (علی، ۱۳۹۹: ۲۴۳).

همچنین نگاه شود به متن زیر که بیانگر این گفتمان افراطی است:

«نزدیک غروب به روستایی رسید که دو روز بود مؤمنان از اطراف آن ولایت گروه به گروه به آن جا روی می‌آوردند تا هنگام غروب در مسجد سفید بزرگی به سخنرانی‌های پر جوش و خروش ملا کوثر باغبان گوش دهند. او عاشقستان را به عنوان شیطانستان، «جنگل شهوت‌ها» یا «پرنگاه زنا» نام می‌برد. با حنجره‌ای پر از هیجان درباره سرنوشت سیاه‌زناکاران و بچه‌های حرامزاده‌شان، در مورد زنان غیرشرعی و رابطه حرامشان سخن می‌گفت و فریاد می‌زد: بیاید این باغ طلعت را به آتش بکشیم. بیاید خورشید گرفته شرف را ازاد کنیم. بیاید گلستان اخلاق را آب بدهیم» (علی، ۱۳۹۹: ۲۱۴).

«خندان کوچولو» یا به تعبیر دیگر خود بختیار علی با تردید در درک جهانی که در آن زیسته، آنچه دیده را حکایت می‌کند. روزهای از دست‌رفته‌ای که برای زنده نگه‌داشتنشان راهی جز داستان‌سرایی وجود ندارد. او به یقین چنین ساختارهایی را در کردستان عراق تجربه کرده‌است، انفال، جنگ‌های داخلی، وجود گروه‌های افراطی مذهبی، روزهای ترسناکی را برای افراد این سرزمین رقم زده‌است. اینکه شخصیت‌های داستانی خسته هستند، دائم می‌ترسند، آواره هستند و... مصائبی است که مردم کردستان عراق با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند و از آنجا که بختیار علی خود شاهی بر بسیاری از این وقایع بوده است به خوبی می‌تواند خواننده اثر را نیز با خود همراه کند و شخصیت‌هایی بیافریند که همدلی و همذات‌پنداری مخاطب را با خود داشته باشد.

ساختار مردسالار کردستان، گونه دیگری از گفتمان را در این رمان، رقم زده‌است. بختیار علی، چهره خشن و ترسناک تفکر سنتی مردسالار را به خوبی نشان می‌دهد. چهره مردمانی که در بند افکار دیگران و از همه مهمتر در بند جامعه هستند. بعد از همه سختی‌هایی که در خانه متوجه پروانه بود و بعد از فرار او، برادرانش به سراغ بقچه‌ها رفتند و خنجرهایی را لای لباس‌هایشان مخفی کردند. آن‌ها قصد داشتند پروانه را به خاطر این ننگی که به بار آورده است، بکشند.

مردسالاری یک سیستم اجتماعی، ایدئولوژیک و سیاسی است که در آن مردان از طریق زور یا از راه‌های غیرخشنونت‌آمیز، همچون سنت‌ها، زبان، سیستم آموزشی، قانون، تقسیم کار و... سعی می‌کنند زنان را در فضای خصوصی و عمومی به زیرمجموعه مردان تنزل دهند. خشنونت نسبت به زنان در رمان غروب پروانه به اشکال مختلفی نمود پیدا کرده‌است که کمترین شکل آن اختصاص مدرسه توبه‌کاران برای زنان و دختران بود؛ گویی تنها جنس مؤنث، بزهکار است و بس. فجیع‌ترین و تراژدیک‌ترین خشنونت که گفتمان مردسالار آن را در این رمان شکل داده قتل ناموسی است. قتل ناموسی یکی از شیوه‌های پلید خشنونت علیه زنان است که در آن فردی، که در بیشتر موارد مرد است، زنی را که معمولاً از فامیل درجه یک خودش است به قتل می‌رساند تا به گفته خویش، شرف و آبروی خود را حفظ کند. قتل پروانه و میدیا به دست برادرانشان نمونه بارز آن در داستان غروب پروانه بود که فرجام غم‌انگیزی برای قهرملنان داستان رقم می‌زند. البته نبلید از خشنونت‌های فیزیکی دیگری همچون کتک زدن زنان غافل بود که نوعی حق قانونی شوهران و برادران زنان و دختران محسوب می‌شد: «پدرم سؤال کرد: «پروانه کجاست؟» من گفتم: «امروز ندیدمش، صبح بلند شدم او سر جایش نبود. دیگر هم ندیدمش.» همان شب پدرم در حالی

که گریه می‌کرد همه پنجره‌ها و درها را شکست. همه چیزهای زیبا و عتیقه خانه را خرد و خمیر کرد. برادانم موهایم را گرفتند و به زیرزمین کشاندند. من را روی پله‌ها کشیدند و مثل دیولنه‌ها افتادند به جانم. سال‌های زیادی خون آن غروب من بر دیوارهای زیرزمین مانده بود؛ خون دست‌های خسته‌ام که خواسته بودم با تکیه دادن‌شان به دیوار تعادل خودم را حفظ کنم؛ خون دندان‌های زخمی‌ام که می‌ریخت میان صندوق‌ها و روی گونی‌ها و رخت‌خواب‌های کهنه‌ای که به‌طوری نامرتب در زیرزمین چیده شده بود. اکنون هر وقت به آن زیرزمین می‌روم، جیغ‌های خودم را می‌شنوم (علی، ۱۳۹۹: ۲۹).

خودسوزی زنان، پدیده دیگری است که در آن، زنان، خود، عامل مستقیم مرگ خویش هستند؛ اما افراد دیگری نیز در رخ دادن آن مؤثرند. در داستان غروب پروانه نیز حاکمیت گفتمان سنتی مردسالار و خشونت‌های اجتماع پیرامون زنان، عرصه را بر آنان تنگ می‌کند و ناچار تن به خودسوزی می‌دهند. لیلا یکی از این شخصیت‌هاست که به گفته نویسنده «خودسوزی لیلا که بعدها زینب آن را مربوط به بیماری کشنده‌ای اعلام کرد که در کشور سرایت کرده بود، یعنی بیماری خودسوزی دختران و زنان، تنها غرور زینب را شکست بلکه مانند آرزویی پنهانی و اشتیاقی شدید برای مردن در همه ما از نو سر باز کرد» (همان: ۲۱۲).

افزون براین باید اشاره کرد که وجود فضای مردسالاری در بافت اجتماعی کردستان باعث شده‌است که بسیاری از زنان در این منطقه، ارزش‌های مردسالارانه را درون خود نهادینه بکنند و این زنان از ظاهری زنانه و افکاری مردانه برخوردارند. عمه خانم و زنان همراه او چنین رویکردی دارند و نمونه بارز این زنان هستند. به هر حال، در غروب پروانه خشونت علیه زنان به‌خوبی نشان داده شده است. پدر و برادران پروانه فقط از او انتظار خدمت دارند. او باید کارهای خانه را انجام دهد و یا مثلاً در عید قربان گوشت قربانی را تقسیم کند. عاشق شدن، رابطه داشتن با یک مرد و یا فرار از خانه آن‌هم با کسی که عاشق اوست به هیچ وجه قابل بخشش نیست. بختیار علی در این رمان به زیبایی جنبه‌های تاریک این گفتمان سنتی را نشان داده‌است.

۵. نتیجه‌گیری

در تحلیل رمان بختیار علی مشخص شد که چگونه گفتمان خشونت با جنگ، افراطی‌گری و اختلافات حزبی در جامعهٔ کردستان عراق به یکدیگر پیوند خورده و در زبان و اعمال قربانی‌هایشان هم بازتولید می‌شوند.

بختیار علی در این رمان، هویت و سرزمین خود را مد نظر قرار داده و به المان‌های زیستی منطقهٔ کردستان عراق که گویی در احاطهٔ تغییر و تحول هستند و یا اینکه به ناچار به او دیکته می‌شوند، می‌پردازد. می‌توان از لحاظ مفهومی چنین استنباط کرد که بختیار علی، احساس می‌کند در محیطی در حال پرورش است که ساختارهای تلقینی و اجباری، باعث بوجود آمدن پارادوکس‌هایی در زیستن انسان‌ها می‌شود، تضادآفرینی مابین جفت واژه‌های جنگ و صلح/ کینه و عشق/ زندگی و مرگ و... به مخاطب گوشزد می‌کند که محیط کردستان، پیش‌فرض‌هایش (سرزمین و هویت) را دارد عوض می‌کند و این پیش‌فرض‌ها، زایندهٔ خاستگاه‌هایی با کارکرد متضاد هستند.

افزون براین، ساختارهای حاکم بر کردستان عراق نیز در شکل‌گیری گفتمان‌ها تأثیرگذاری فراوانی داشته‌است. دیکتاتوری صدام حسین و کشتار سال‌های دههٔ شصت و هفتاد (انفال و سرکوب کمونیست‌ها)، جنگ‌های داخلی کردستان عراق میان دو حزب عمدهٔ آن، جنگ میان ایران و عراق، رشد فزایندهٔ جریان‌های افراطی دینی و دموکراسی نصف و نیمه‌شکننده در کردستان عراق که بعد از ایجاد منطقهٔ پرواز ممنوع آمریکا ایجاد شد، موجب به وجود آمدن گفتمان‌های متعددی در این منطقه شد که بختیار علی در قالب نمودهای مختلف از جمله پروانه و دیگر شخصیت‌های رمان مطرح کرده‌است. در رمان، جنگ‌های داخلی کردستان عراق مورد توجه قرار گرفته‌است. نوع دیگری از گفتمانی که بختیار علی در رمان‌هایش نشان داده‌است، بحث سلفی‌گرایی یا افراطی‌گری دینی است که بیشتر در رمان غروب پروانه مورد توجه قرار گرفته‌است. در کنار گفتمان غربی که دو حزب اتحاد میهنی کردستان و پارت دموکرات کردستان عراق از جملهٔ مهمترین حامیان آن بودند، بعد از نخستین حملهٔ آمریکا به عراق در اوایل دههٔ ۹۰ میلادی گفتمان دیگری وارد کردستان عرق شد و آن، گفتمان اسلام رادیکال بود که در ابتدا گروهی به اسم حرکت اسلامی آن را نمایندگی می‌کرد، ولی در مراحل بعدی به چندین گروه کوچکتر تقسیم شد. این جریان، از اوایل دههٔ هشتاد هجری شمسی و به دنبال واقعهٔ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و اشغال افغانستان و عراق از طرف نیروهای غربی، اسلام رادیکال هم که عمدتاً به جریان سلفی‌گری منسوب است وارد کردستان عراق گردید.

منابع فارسی

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *گفتمان کاوی/انتقادی*، تهران: علمی فرهنگی.
- بشیر، حسن. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان، دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرام پور، شعبان علی. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- حدادی، الهام؛ داودی مقدم، فریده؛ گرجی، مصطفی. (۱۳۹۱). «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی گفتمان کاوی فرکلاف»، *نقد ادبی*، ۵(۱۸)، ۴۹-۲۵.
- رحیمی، محسن. (۱۳۹۵). «بررسی گفتمان زن از منظر تاریخ‌گرایی نو در رمان غروب پروانه اثر بختیار علی»، *همایش گرد و فرهنگ ادب/ ایرانی/ اسلامی*، دانشگاه کردستان.
- سرباز، حسن؛ محمدی، چنور. (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان ئن‌ئواره‌ی پهروانه‌ی بختیار علی»، *پژوهشنامه/ادبیات کردی*، ۲(۱)، ۳۲-۱.
- شوهانی، علی‌رضا؛ حسینی، سارا. (۱۳۹۸). «گفتمان کاوی انتقادی بازنمایی جنسیت در رمان غروب پروانه از بختیار علی»، *متن پژوهی/ادبی*، ۲۵(۹۰)، ۲۱۲-۱۸۹.
- صهبا، فروغ. (۱۳۸۷). «بررسی زمان در تاریخ بیهقی بر اساس نظریه زمان در روایت». *فصلنامه پژوهش ادبی*، ۵(۲۱)، ۸۹-۱۱۲.
- علی، بختیار. (۱۳۹۹). *غروب پروانه*، ترجمه مریوان حلبچه‌ای، تهران: نیماژ.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- کریمی، جلیل؛ اکبری، علی. (۱۳۹۷). «گفتمان کاوی انتقادی کلیدر»، *کارنامه/ادب پارسی*، ۴، ۶۴-۴۹.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۹۱). *نظریه و روش در گفتمان کاوی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.